

۱۳۵۹۵۷۴



هیئت معارف جنگ
شهید سید علی صیاد شیرازی

توپخانه دوربرد

روز شمار عملکرد گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۱ م م گروه ۳۳ توپخانه
سال ۱۳۵۹، دشت آزادگان

نویسنده: سرهنگ توپخانه ستاد علی اکبر اصلانی

سرناسه	: اصلاتی، علی اکبر، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: توپخانه دوربرد: روزشمار عملکرد گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۵ م م گروه ۳۳ توپخانه، سال ۱۳۵۹، دشت آزادگان/ نویسنده علی اکبر اصلاتی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۵۱۲ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۱۱-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: نمایه .
موضوع	: ایران. ارتش -- توپخانه
موضوع	: ایران. ارتش -- توپخانه -- مشق و تاکتیک
موضوع	: Artesh -- Artillery -- Drills and tactics, Iran
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷
موضوع	: توپخانه
رده بندی کنگره	: UF107۱۳۹۱۹
رده بندی دیویی	: ۶۲۱.۴۱۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۵۸۳۷

توپخانه دوربرد

نویسنده: سرهنگ علی اکبر اصلاتی

نوبت / سال چاپ: اول/ ۱۳۹۵

شماره شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۱۱-۲

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز - تهران

مرکز پخش: تلفن ۲۲۴۸۸۷۵۶ - نمابر ۲۲۴۸۸۶۵۰ - صندوق پستی ۱۷۱ - ۱۵۶۵

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است.

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آن‌ها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«**هیئت معارف جنگ**» از پاییز سال ۱۳۷۳، با تصویب حضرت امام خامنه‌ای و بنیان‌گذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این راه، تدیس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آمرزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۷۳ تا سال ۷۸ بدین ترتیب بوده است که راسا، رمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند، به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تجربی، تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. کتاب معارف جنگ از سال ۷۸ تا سال ۹۴ تعداد ۱۲۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع ۸ سال دفاع مقدس منتشر شده است.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و در سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فراهی ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا آمده و تا زمان نگارش این کتاب بیش از ۲۰ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور در سه مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ بدین دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) نیز به اجرا در آمد.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۸ آموزش کارکنان وظیفه در مطبوعات صلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را در ساعات فوق برنامه طی نموده که تا زمان چاپ این کتاب بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند. از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت ۸ ساعت و تا سال ۹۴ تعداد ۲۳۲۵ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند. از بهمن سال ۱۳۹۳ تا کنون نیز، تعداد ۵۰ هزار نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت ۸ ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

سخنی درباره این کتاب

سلام علیکم؛

یکی از غفلت‌هایی که ناخودآگاه و گاه آگاهانه توسط گویندگان و نویسندگان، درباره هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس معمول گردیده و ادامه هم دارد، آن است که در مدت سال ۵۹ تا کنون، آنچه گفته و یا نوشته شده درباره کلیات بوده و از جزئیات غفلت شده است. در حالی که در هر نتیجه‌گیری و بررسی، باید جزئیات را شناخت تا بتوان نتیجه کلی گرفت. اصلاً اجزاء هستند که کلیات را تشکیل می‌دهند. کلیات بدون اجزاء، اصلاً وجود خارجی نمی‌توانند داشته باشند. و باز یکی دیگر از مشکلات عمده ما آن است که اکثر قریب به اتفاق جامعه، کمتر به مطالعه می‌پردازند و حوصله و یا وقت مناسب صرف مطالعه نمی‌کنند.

می‌توان گفت کتاب «توپخانه دوربرد» از کتاب‌هایی است که بر خلاف بیش از ۹۰ درصد کتاب‌های جنگ وارد بزرگیت شده، از قبضه توپ و سرباز خدمه آن تا رده لشکر و بعضی وقت‌ها بالاتر حرف زده، اما بیشترین سنگینی کتاب در پایین‌دست‌ها و افراد اجرا کننده و یا رزمنده میدان اصلی نبرد بوده و درباره آن بحث می‌کند.

با خواندن این کتاب، حوصله بوجه خیلی از ریزه‌کاری‌های میدان نبرد می‌شود که قبلاً یا نمی‌دانسته و یا چنین واضح به آن آگاهی نداشته. بعد از مطالعه درمی‌یابد که صحنه جنگ به آن شکل که در فیلم‌ها و رسانه‌ها ارائه می‌شود نبوده و چنین فراتر از این حرف‌ها بوده است. به نظر می‌آید، نویسنده محترم هوشمندانه در روزهای حادثه وقایع‌نگاری کرده، تا امروز توانسته حتی اسم سربازها را هم در کتاب بیاورد و میزان برگذاری هر کدام از اسامی را که در کتاب از آنان نام برده، بیان کند.

افسوس خواهیم خورد اگر این کتاب در جامعه نظامیان خوانده نشود. در حالی که نظامیان به واسطه شغل و وظایفی که دارند، باید چنین کتاب‌هایی را برای کسب دانش و تجربه بیشتر و به کارگیری درس‌های آن، در مدیریت شغلی خود در هر رده‌ای که باشند، «مار» به «واو» بخوانند، خلاصه‌برداری کنند، زیر جملات انتخابی خط بکشند، بعضی صفحات را برای بهره‌برداری‌های بعدی حاشیه‌نویسی کنند. به نظر می‌رسد باید اراده‌ای در مجموعه نیروهای مسلح برای ایجاد و توسعه چنین کاری ایجاد شود تا این قبیل کتاب‌ها توسط نظامیان به دقت مطالعه شود و سپس دیگر افراد جامعه جهت شناخت نیروهای مسلح و چگونگی دفاع از کشور، به این کتاب‌ها مراجعه نمایند.

خدا کند تعداد زیادی بخوانند تا بدانند «چگونه می‌جنگیدیم».

سرتیپ ۲ ستاد صادقی‌گویا

فهرست

۱۵	تشکر و قدردانی
۱۶	معرفی نویسنده
۱۷	پیشگفتار
۲۱	مقدمه
۲۵	فصل یکم: اعزام آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۵ م م به دشت آزادگان
۲۶	دستور نیروی: مینی: برای اعزام یک آتشبار از گردان ۳۳۸ توپخانه ۱۷۵ م م به خوزستان
۲۷	آماده شدن و اعزام آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه از تهران به استان خوزستان
۲۸	نفرات انتخابی آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۵ م م جهت اعزام به استان خوزستان
۳۰	پنجشنبه ۲۷ شهریور ۵۹: حرکت آتشبار یکم از تهران به استان خوزستان
۳۲	جمعه ۲۸ شهریور ۵۹: ورود آتشبار یکم به شهر اندیمشک
۳۴	شنبه ۲۹ شهریور ۵۹: ورود آتشبار یکم به اهواز
۳۷	فصل دوم: بررسی وضعیت جبهه میانی استان خوزستان
۳۸	جنبه‌های نظامی منطقه بستان
۴۰	چگونگی استقرار و گسترش تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی در منطقه عمومی بستان
۴۲	استقرار یگان‌های تیپ ۳ زرهی در منطقه بستان و حوادث پاسگاه‌های ماری همراه با پیام‌های مبادله شده
۴۴	اقدامات مردم و مسئولان منطقه و تیپ ۳ زرهی در مقابله با تهاجم نیروهای تجاوز و پیام‌های مبادله شده
۵۱	فصل سوم: چگونگی ورود آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۵ م م به منطقه بستان
۵۲	یکشنبه ۳۰ شهریور ۵۹: حرکت آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه از پادگان اهواز به منطقه بستان
۵۹	دوشنبه ۳۱ شهریور ۵۹: ورود آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۵ م م به منطقه بستان و اجرای انواع آتش‌های پدافندی

۶۵ فصل چهارم: آغاز جنگ و پیشروی نیروهای متجاوز به خاک خوزستان

- ۶۶ دوشنبه ۳۱ شهریور ۵۹: شروع نبردهای خونین و پیشروی نیروهای متجاوز در منطقه بستان
- ۷۰ سه شنبه یکم مهر ۵۹: تلاش نفرات آتشبار یکم برای سد نمودن پیشروی نیروهای متجاوز در منطقه بستان
- ۷۷ اظهار نظر فرماندهان سایر نیروها در خصوص عملکرد آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه
- ۸۰ چهارشنبه دوم مهر ۵۹: ممانعت مدافعان از ورود نیروهای دشمن به شهر بستان
- ۹۰ پنجشنبه سوم مهر ۵۹: عقب‌نشینی نیروهای تیپ ۳ زرهی به ارتفاعات الله اکبر

۱۰۵ فصل پنجم: سقوط شهر بستان

- ۱۰۶ جمعه ۴م مهر ۵۹: پیشروی نیروهای دشمن به سمت ارتفاعات الله اکبر
- ۱۰۶ تلاش آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه برای پدافند از ارتفاعات الله اکبر
- ۱۱۷ اظهار نظر مردم سومین روز در خصوص عملکرد آتشبار یکم در روز چهارم مهر ۵۹
- ۱۱۷ پیام‌های مبادله شده در خصوص شرایط ۳ زرهی در ارتفاعات الله اکبر در روز چهارم مهر ۵۹
- ۱۲۹ جمعه چهارم مهر ۵۹: سقوط شهر بستان

۱۳۳ فصل ششم: اشغال ارتفاعات الله اکبر توسط دشمن

- ۱۳۴ شنبه پنجم مهر ۵۹: عقب‌نشینی تیپ ۳ زرهی به پادگان دشت آزادگان و اشغال ارتفاعات الله اکبر توسط دشمن
- ۱۵۷ یکشنبه ششم مهر ۵۹: استقرار آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه در پادگان دشت آزادگان

۱۶۹ فصل هفتم: پیشروی نیروهای دشمن به سوی شهرهای سوسنگرد و حمیدیه

- ۱۷۰ دوشنبه هفتم مهر ۵۹: نقش آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه در دفاع و بیرون راندن دشمن از شهر حمیدیه
- ۱۷۰ پیام‌های مبادله شده در روز هفتم مهر ۵۹
- ۱۷۳ سه شنبه هشتم مهر ۵۹: وضعیت یگان‌های تیپ ۳ زرهی و منطقه دشت آزادگان
- ۱۷۳ پیام‌های مبادله شده در روز هشتم مهر ۵۹
- ۱۸۴ چهارشنبه نهم مهر ۵۹: انهدام نیروهای دشمن در شهر حمیدیه
- ۱۸۸ پیام‌های مبادله شده در روز نهم مهر ۵۹
- ۱۹۱ پنجشنبه دهم مهر ۵۹: تصرف ارتفاعات الله اکبر توسط تیپ ۳ زرهی و گروه رزمی ۱۴۸ پیاده

- ۱۹۱ پیام‌های مبادله شده در روز دهم مهر ۵۹
- ۱۹۴ جمعه ۱۱ مهر ۵۹: استقرار تیپ ۳ زرهی و گروه رزمی ۱۴۸ پیاده در ارتفاعات الله اکبر
- ۱۹۴ پیام‌های مبادله شده در روز یازدهم مهر ۵۹

۱۹۷ فصل هشتم: بازسازی گردان ۳۸۸ توپخانه جهت پدافند از منطقه دشت آزادگان

- ۱۹۸ جمعه ۱۱ مهر ۵۹: تلاش فرمانده گردان ۳۸۸ توپخانه جهت بازسازی تجهیزات گردان برای ادامه جنگ
- ۱۹۹ شنبه ۱۲ مهر ۵۹: تلاش نفرت گردان ۳۸۸ توپخانه برای پدافند از منطقه دشت آزادگان
- ۲۰۱ حوادث روزهای یکشنبه سیزدهم تا چهارشنبه شانزدهم مهر ۵۹ و پیام‌های مبادله شده در خصوص پدافند از منطقه

۲۱۱ فصل نهم: محاصره شهر سوسنگرد

- ۲۱۲ تلاش دشمن برای اشغال سوسنگرد
- ۲۱۲ پنجشنبه ۱۷ مهر ۵۹: پیشروی نیروهای دشمن تا غرب سوسنگرد و ورود تعدادی مزدور به شهر
- ۲۱۶ اظهار نظر سایر نیروها در خصوص عملکرد گردان ۳۸۸ توپخانه

۲۲۵ فصل دهم: اشغال شهر سوسنگرد و آزادسازی منطقه رزمندگان اسلام

- ۲۲۶ جمعه ۱۸ مهر ۵۹: وضعیت نیروهای خودی و دشمن و پیام‌های مبادله شده
- ۲۳۶ آخرین وضعیت سوسنگرد در روز ۱۸ مهر
- ۲۳۷ تلاش فرماندهان و مسئولان برای آزادسازی شهر سوسنگرد در روز ۱۸ مهر ۵۹
- ۲۳۸ اظهار نظر فرماندهان سایر نیروها در خصوص وضعیت منطقه
- ۲۳۹ شنبه ۱۹ مهر ۵۹: نقش گردان ۳۸۸ توپخانه در آزادسازی شهر سوسنگرد

۲۴۵ فصل یازدهم: پدافند از شهر سوسنگرد در نیمه دوم مهر ماه

- ۲۴۶ یکشنبه ۲۰ مهر ۵۹: نقش گردان ۳۸۸ توپخانه بعد از آزادسازی سوسنگرد و پدافند از منطقه
- ۲۴۷ پیشروی مجدد دشمن به سمت شهر بستان، ارتفاعات الله اکبر و شهر سوسنگرد
- ۲۴۷ اظهار نظر سایر نیروها در خصوص عملکرد یگان‌های توپخانه
- ۲۴۸ سقوط مجدد شهر بستان
- ۲۴۸ حوادث روزهای دوشنبه ۲۱ و سه شنبه ۲۲ مهر ۵۹ و پیام‌های مبادله شده
- ۲۵۳ اظهار نظر سایر نیروها در خصوص عملکرد یگان‌های توپخانه در روز ۲۳ مهر ۵۹

- ۲۵۴ پیام‌های مبادله شده در روزهای چهارشنبه ۲۳ و پنجشنبه ۲۴ مهر ۵۹
- ۲۶۲ اظهار نظر مردم شهر سوسنگرد و سایر نیروها در خصوص عملکرد گردان ۳۸۸ توپخانه
- ۲۶۵ پیام‌های مبادله شده در روز شنبه ۲۶ مهر ۵۹
- ۲۶۶ اظهار نظر مردم منطقه و سایر نیروها در خصوص عملکرد گردان ۳۸۸ توپخانه در روز ۲۶ مهر ۵۹
- ۲۷۵ روز یکشنبه ۲۷ مهر ۵۹: پیشروی دشمن در شمال و جنوب رودخانه کرخه به سمت سوسنگرد، عقب‌نشینی تیپ ۳ زرهی از ارتفاعات الله اکبر و پیام‌های مبادله شده تا ۳۰ مهر
- ۲۷۷ اظهار نظر سایر نیروها در خصوص عملکرد توپخانه در روزهای ۲۷ و ۲۸ مهر ۵۹
- ۲۸۴ اظهار نظر سایر نیروها در خصوص عملکرد توپخانه در روز ۲۹ مهر ۵۹
- ۲۹۷ حوادث روزهای پنجشنبه یکم الی دوشنبه نوزدهم آبان ۵۹: عملکرد گردان ۳۸۸ توپخانه و آخرین وضعیت تیپ ۳ زرهی
- ۳۰۲ جمعه دوم آبان ۵۹: انضباط سرهنگ زرهی الماسی به فرماندهی تیپ ۳ زرهی
- ۳۰۲ اظهار نظر سایر نیروها در خصوص عملکرد گردان ۳۸۸ توپخانه

فصل دوازدهم: محاصره مجدد شهر سوسنگرد توسط دشمن در آبان ۵۹

- ۳۳۰ سه‌شنبه بیستم آبان ۵۹: محاصره مجدد شهر سوسنگرد
- ۳۴۰ پنجشنبه ۲۲ آبان ۵۹: آغاز حملات نیروهای دشمن به شهر سوسنگرد
- ۳۴۳ جمعه ۲۳ آبان ۵۹: آخرین تحولات و وضعیت منطقه سوسنگرد
- ۳۴۷ شنبه ۲۴ آبان ۵۹: وضعیت نیروهای خودی و دشمن در منطقه سوسنگرد
- ۳۴۸ یکشنبه ۲۵ آبان ۵۹: آخرین وضعیت نیروهای خودی و دشمن در منطقه سوسنگرد
- ۳۵۰ دوشنبه ۲۶ آبان ۵۹: تهاجم رزمندگان اسلام و شکستن حلقه محاصره سوسنگرد
- ۳۵۶ آخرین وضعیت سوسنگرد در روز دوشنبه ۲۶ آبان ۵۹

فصل سیزدهم: عملیات پدافندی سوسنگرد در آبان و آذر ۵۹

- ۳۸۴ نقش گردان ۳۸۸ توپخانه در آزادسازی و پدافند از شهر سوسنگرد
- ۳۸۷ حوادث روزهای پنجشنبه ۲۹ و پنجشنبه ۳۰ آبان ۵۹
- ۳۸۸ حوادث آذر ماه ۵۹: تلاش گردان ۳۸۸ برای پدافند از منطقه دشت آزادگان
- ۴۰۶ حوادث روزهای دوشنبه یکم الی سه‌شنبه نهم دیماه ۵۹: استقرار گردان ۳۸۸ توپخانه در شرق ارتفاعات الله اکبر
- ۴۰۸ اظهار نظر رئیس رکن ۳ گردان ۳۸۸ توپخانه از نحوه به کارگیری یگان‌های توپخانه در اوایل جنگ

۴۱۱ فصل چهاردهم: اعزام آتشبار سوم گردان ۳۸۸ توپخانه از اندیمشک به دشت آزادگان

۴۱۲ چهارشنبه دهم دیماه ۵۹: ورود آتشبار سوم گردان ۳۸۸ توپخانه از اندیمشک به دشت آزادگان

۴۲۷ فصل پانزدهم: عملیات نصر

۴۲۸ جگونگی طرح ریزی عملیات نصر

۴۳۱ حدود منطقه عملیاتی نصر

۴۳۱ وضعیت نیروهای دشمن در منطقه عملیاتی نصر

۴۳۱ وضعیت نیروهای خودی و نحوه عمل آنان در مراحل مختلف عملیات

۴۳۶ دوشنبه ۱۵، ۵۹: آغاز عملیات نصر

۴۳۹ جابه جایی آتشبار یکم گردان ۳۸۸ توپخانه از شرق ارتفاعات الله اکبر به روستای جلیزی

۴۴۴ سه شنبه ۱۶ و چهارشنبه ۱۷ دیماه ۵۹: شدت گرفتن درگیری ها در منطقه عملیات نصر

۴۵۴ پنجشنبه ۱۸ دیماه ۵۹: عقب نشینی یگان های لشکر ۱۶ زرهی به مواضع اولیه خود

۴۵۹ فصل شانزدهم: استقرار گردان ۲۰۰۸ توپخانه در مواضع پدافندی شرق ارتفاعات الله اکبر

۴۶۰ استقرار کامل گردان ۳۸۸ توپخانه در منطقه پدافندی ناحیه ۳ زرهی

۴۶۲ حوادث روزهای جمعه ۱۹ الی یکشنبه ۲۱ دیماه ۵۹: آخرین وضعیت نیروهای خودی و دشمن در منطقه

۴۶۵ حوادث روزهای یکشنبه ۲۱ الی سه شنبه ۳۰ دیماه ۵۹: در شب ۲۱ و ۲۲ دیماه ۵۹ در رودخانه کرخه

۴۶۹ حوادث و اتفاقات بهمن و اسفند ۵۹ در شرق ارتفاعات الله اکبر

۴۷۳ حوادث روزهای دوشنبه ۱۳ الی دوشنبه ۲۰ بهمن ۵۹ در شرق ارتفاعات الله اکبر

۴۷۹ حوادث روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفند در شرق ارتفاعات الله اکبر و حضور فرمانده نیروی زمینی در گردان ۳۸۸ توپخانه

۴۸۷ حوادث روزهای ۲۷ و ۲۸ اسفند در مواضع پدافندی شرق ارتفاعات الله اکبر

۴۹۳ منابع

۴۹۵ نمایه

۵۰۵ نقشه ها و تصاویر

پیشگفتار

من در تاریخ ۵۹/۶/۳۰ به همراه هم‌رزمانم در گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۵م گروه ۳۳ توپخانه و با آغاز تهاجم ارتش عراق به ایران و شروع جنگ تحمیلی اولین یگان نظامی بودیم که از تهران وارد دشت آزادگان در استان خوزستان شدیم. به عنوان مدافعان سرسخت آن منطقه، حوادث و اتفاقات رنج‌آور بسیاری را شاهد و ناظر بوده و برای دفاع از منطقه و مردم عزیز آن دیار، به همراه هم‌رزمان شجاعم، عاشقانه تا مرز شهادت با دشمن کاملاً مسلح و آماده، جنگیدیم. بسیاری از هم‌رزمان عزیزم، در این راه مقدس، در گرمای شدید و روی سوزنی داغ دشت آزادگان، غرق به خون، از ما جدا شدند و به فیض شهادت نائل آمدند.

شهر بستان توسط سمن اشغال و مردم شهر، شامل زنان، کودکان و سالخوردگان آواره شده و کوچ کردند. مردان و جوانان شهر بستان، سوسنگرد و حمیدیه و حتی تعدادی از زنان نیز به جمع مدافعان پیوسته و مردانه جنگیدند. من و هم‌رزمانم در آن روزهای فراموش نشدنی، قسم یاد کردیم تا مطلقاً را از لوٲ وجود متجاوزین پاک و دشت آزادگان را تبدیل به گورستان متجاوزین نماییم.

در جنگ آرزوهای زیادی داشتیم که شبانه در برابر آن‌ها می‌انديشیدیم و زمانی آرزوهایمان به پایان می‌رسید که کشورمان دوباره شکو می‌افتد و آن‌هم بیرون راندن متجاوزین از خاک کشورمان بود تا مردم عزیزمان در امنیت کامل به زندگی خود ادامه می‌دادند. بالاخره با صبر و استقامت، تلاش و ایثار و رشادت‌های هم‌رزمانم توانستیم به یاری خداوند، طی عملیاتی بزرگ و به یادماندنی در تاریخ کشورمان، به نام عملیات طریق‌القدس شهر بستان را آزاد و به مام میهن بازگردانیم.

سال ۱۳۷۹ در سال روز آزادسازی شهر بستان، به همراه جمعی از فرماندهان لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی و گروه ۳۳ توپخانه به سرپرستی امیر سرتیپ حسام هاشمی، توسط مسئولان لشکر ۹۲ زرهی و استان خوزستان و شهر بستان به منطقه خوزستان دعوت شدیم. در جمع فرماندهان، امیر سرتیپ بازنشسته لطفی فرمانده لشکر ۱۶ زرهی،

امیر سرتیپ^۲ بازنشسته غلامرضا علمی معاون فرمانده گردان ۳۸۸ توپخانه، امیر سرتیپ^۲ بازنشسته علی احمدیان فرمانده گردان ۳۷۲ کاتیوشا، سرهنگ حسین باهر فرمانده آتشبار گردان ۳۴۳ توپخانه، به عنوان فرماندهان گروه ۳۳ توپخانه و تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران نیز حضور داشتند. وقتی که در مسیر اهواز به بستان حرکت می کردیم، با دیدن شهرهای حمیدیه، سوسنگرد، روستای دهلاویه و پل سابل و مناظر شمال و جنوب رودخانه کرخه اشک در چشمانم جاری بود. دیدن آن مناظر من را به یاد آن روزهای پراشتاب می انداخت و صحنه های جنگ برایم تداعی می شد. یاد شهدا، یاد مجروحین، یاد پیرمردان و پیرزنان، زنان و کودکان آواره، یاد آن همه ایثار و فداکاری، مرتباً در خاطرم نقش می بست و آزارم می داد. زیرا که چه های خاطراتم صدای پای عزیزترین دوستان و همزمانم در جبهه که به شهادت رسیده بودند، در گوشم طنین انداز می شد.

در بین راه در انبوی، جایی در کنارم نشسته بود و به طور متوالی از من در مورد منطقه و شرایط جنگ در آن زمان سوال می کرد. سئوالات او من را به فکر فرو برد. نامش را پرسیدم. گفت، من صفوی هستم. متوجه شدم، فرزند شهید صفوی فرمانده گردان ۲۹۳ تانک تیپ ۳ زرهی است. او را در آغوش گرفتم و در حالی که هر دو اشک در چشمانمان جاری بود، به او گفتم، پدرت افسر شجاع و ماهر و زاری بود. از رشادت های پدرش در منطقه دشت آزادگان، آنچه را که می دانستم به او گفتم. فرزند شهید صفوی با شنیدن حرف های من گفت: با شنیدن حرف های شما در مورد پدرم، دیگر برایم اشک نمی ریزم، به او افتخار می کردم، اما اکنون که متوجه شدم، او چقدر شجاع و فداکار بوده است، بیشتر به او افتخار می کنم، زیرا وی افتخار ملت و تاریخ کشورمان، بوده و خواهد بود.

وقتی وارد شهر بستان شدیم، دیگر نمی توانستم خودم را کنترل کنم. مردم شهر در انتظار ما بودند و جمعیت مرتباً از پیاده روها به خیابان هجوم می آوردند و می خواستند ما را ببینند. در قسمت ورودی شهر دختر بچه ای با دست گلی زیبا به نمایندگی از مردم شهر به پیشوا زمان آمد. آن دختر با نوایی بسیار دلنشین و سرشار از احساسات، گزارش جالب و تکان دهنده ای را به فرماندهان فاتح شهر بستان ارائه نمود و به همگی، خیر مقدم و

خوش آمد گفت. سپس توسط چند فروند از بالگردهای هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران گل باران شدیم. در آن لحظات چنان احساسات بر من غلبه کرده بود که پاهایم می‌لرزید و قلبم از سینه جاکن می‌شد. خبرنگاری که متوجه شرایط روحی من در آن لحظه شده بود از من پرسید، جناب سرهنگ در حال حاضر چه احساسی دارید؟ گفتم، احساس می‌کنم، تمام خستگی آن روزهای سخت و زجرآور از وجودم درآمده است، زیرا وقتی مردم شهر را شاد و سرحال می‌بینم، به یاد آن دوران سخت می‌افتم. هر چند من به عنوان نماینده فاتحان این شهر لایق نیستم. زیرا فاتحان اصلی به شهادت رسیده‌اند و اکنون در کنار ما نیستند. ما ناظر بر اعمال ما بوده و از امنیت شهر و مردم شاد هستیم. من نیز از اعماق وجودم به خاطر مردم که در آرامش هستند، بسیار خوشحالم. بعد از آن در جایگاه مخصوص قرار گرفتیم. در برابر از احساسات مردم شهر قرار گرفته و تانک‌های تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ زرهی از مقابل ما در حالی که توسط بالگردها گلباران می‌شدیم، رژه رفتند. از همان روز تصمیم گرفتیم، اطراف حرم و همزمانم را که به صورت دست‌نویس و روزانه از آن ایام به یادگار مانده است، استفاذه کرد، و آن‌ها را به رشته تحریر درآورم. در این راستا فرمانده گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۵ م گروه ۳۳ توپخانه سرتیپ ۲ بازنشسته زین‌العابدین آجوری حامی و مشوق اصلی من در تحریر این اثر بود. همچنین همزمان عزیزم که نام آن‌ها و رد پایشان در این نگارش مشاهده می‌شود، کمک شایانی به من نموده‌اند، که از همگی آنان سپاسگزارم.

سرهنگ توپخانه، علی اکبر اصلانی